

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به اوتانت دبیرکل سازمان ملل متفق

میراند سخنی بتفصیل بگوئیم. با این حال میخواستیم توجه شما و نیز توجه کمیسیون حقوق بشر را بواقعیاتی جلب نمایم که وضع کنونی کشور ما را روشن میکند. مردم ایران اکنون در شرایطی زندگی میکنند که تمام آزادیهای سیاسی اساسی که

مورد تأیید و تصدیق قانون اساسی کشورماست یعنی آزادی بیان و اجتماع و مطبوعات علا معلق مانده است. تمام احزاب سیاسی و سازمانهای اپوزیسیون بویژه حزب توده ایران و سازمان جبهه ملی که هوادار مشی د کتر بقیه در صفحه ۲

به جناب آقای اوتانت دبیرکل سازمان ملل متفق آقای دبیرکل تصور میکنم بهچوچه نیازی بآن نیست که در وصف رژیم ضد دموکراتیک که از زمان کودتای سال ۱۹۵۳ در ایران حکومت

ماهی نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

نامه سرگشاده

کمیته مرکزی حزب توده ایران به مجلسین شورا و سنا بمناسبت انتخابات سگانه مجلسین و موسسات

آقایان نمایندگان! شما بهتر از هر کس از جریان انتخابات مجلسین طی ۱۵ سال اخیر اطلاع دارید و بخوبی میدانید که ملت ایران کوچکترین سهمی در انتخاب شما و پیشینیان شما، که در جریان ۱۵ سال اخیر کرسیهای پارلمان ایران را اشغال کرده اند، نداشته است. بنا براین اگر این نامه بعنوان شما فرستاده میشود نه از آنجهت است که ما شما را نمایندگان مایمی میدانیم بلکه بدان سبب است که شما بهترین مسئولیت اشغال کرسی های پارلمان، یکی از مهمترین ارگان مشروطیت ایران را، بگردن گرفته اید و لذا برای رسیدگی به تجاوزات دولت نسبت به حقوق مردم و اجراء اصل ۳۲ قانون اساسی مرجع دیگری باقی نمانده است. شما بخوبی آگاهید که حکومت فردی و اسلوب ترور و ارعاب و وحشت که ملازم هر حکومت استبدادی است جایی برای بروز واقعی افکار عمومی در کشور ما باقی نگذارده است. در واقع کلیه تضمینات فردی و حقوق سیاسی واجتماعی که طبق قانون اساسی برای

مردم ایران شناخته شده است رسماً و علناً از جانب دولت و مأموران باصلاح انتظامی وی (سازمان امنیت و شهربانی و ژاندارمری) نقض میشود و هر گونه واکنشی از جانب مردم برای مقابله با این تجاوزات با شدت و قساوت بسابقه ای سرکوب میگردد. برای اینکه این ادعا جنبه تجربی پیدا نکند بواقیعات غیر قابل انکار میپردازیم. گمان نمیرود این نکته بر شما مجهول باشد که ابتدائی ترین و مهمترین شرط حکومت دموکراسی تساوی حقوق عموم افراد کشور در برابر قانون است. بهین جهت است که متمم قانون اساسی ایران این حکم را در سر لوحه فصلی قرار داده که در باره حقوق ملت ایران سخن رفته است. اصل هشتم متمم قانون اساسی تصریح میکند: « اهالی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی متساوی الحقوق خواهند بود ». خود شما بهتر از هر کس میدانید که این مهمترین اصل دموکراسی حتی بصورت ظاهر هم در کشور ما رعایت نمیشود. نه تنها قوانین از نظر محتوی همواره بسود طبقات و بقیه در صفحه ۵

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به سازمانهای دموکراتیک

دوستان عزیز! بضمیمه این نامه، نامه ای که کمیته مرکزی حزب توده ایران خطاب به دبیرکل سازمان ملل متفق و کمیسیون حقوق بشر در جنب این سازمان نگاشته است، بنظر شما میرسد. این نامه درباره تجاوزات دولت ایران علیه آزادی های سیاسی در ایران و شرایط غیردموکراتیکی است که در آن قرار است در چهارم اوت ۱۹۶۷ انتخابات مجلسین شورا و سنا و باصلاح مجلس مؤسسانی انجام گیرد که هدف آن تغییر قانون اساسی است. ما امیدواریم که شما آنچه را در امکان دارید برای دفاع از نبرد عادلانه مردم ایران و کمک بوی از طریق نشریات، اقدامات

اعتراضی بعمل آورید تا آنکه دولت ایران انتخابات غیر دموکراتیک چهارم اوت را متوقف سازد. تجربه مبارزات سالهای اخیر تأثیر و ثمربخشی افکار عمومی جهانی را در محافل حا که ایران نشان داده است. بهین جهت ما مطمئنیم که پشتیبانی گرانهای شما میتواند در وضع کشور ما تأثیر مساعد داشته باشد و کمک ذی قیمتی ببارزه مردم ایران در راه استقرار آزادیهای مصرح در قانون اساسی و حقوق دموکراتیک خلق به انتخاب آزادانه نمایندگان خواهد بود. دوستان عزیز تمنی داریم سلامهای برادرانه ما را بپذیرید. کمیته مرکزی حزب توده ایران

مصاحبه مخبر الاخبار با رفیق رادمش

در ۱۸ ژوئن ۱۹۶۷ خبرنگار روزنامه الاخبار چاپ بیروت مصاحبه ای با رفیق رادمش صدر بوری کمیته مرکزی حزب توده ایران بعمل آورد که در آن روزنامه به تفصیل درج شده است. اینک خلاصه ای از این مصاحبه، رفیق رادمش نخست در پاسخ سؤال خبرنگار در باره بحران اخیر خاور نزدیک گفت:

تهاجم اسرائیل به کشورهای عربی که با تشجیع و پشتیبانی و کمک مادی و معنوی امپریالیستهای امریکا و انگلیس صورت گرفت یکی از توطئه های امپریالیستی است که هر وقت اینجا و آنجا با وسائل و صور مختلف بظهور می یوندد. این هجوم که بخاطر برانداختن حکومت های ملی کشورهای عربی صورت گرفته با مقاومت تمام کشورها و ملل عرب روبرو شده بیش از حد امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی را منفر د ساخته و این تازه آغاز کار است، بعلاوه این جریان نشان داد که اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی مهمترین پشتیبان و مدافع خلفها در مبارزه عادلانه آنها هستند. حزب ما این تجاوز را محکوم نموده است و خروج نیرو های اشغالگر را از نواحی اشغالی طلب کرده است. نباید اجازه داد که چنین توطئه هایی تکرار شود، برای جلوگیری از آن وحدت ملل و کشورهای عربی و برخورداری از بقیه در صفحه ۲

در آستانه سرشاه بهوشنگتن رفقا علی خاوری پیرویز حکمت چو، مهندس پیروزی، مهندس و آوانسپان را از زندان قصر به زاهدان، براجاز، خرم آباد، کرمان و بندر عباس تبعید کرده اند.

به زندانیان جنوب

شدهای جنوب سوزان و دخمه زندان دلگیر است. ولی ای برادر من، خورشید در اشکها میدرخشد و میان دلها فاصله نیست.

آری، میان دلها فاصله نیست و من چه بسیار قلب هایی را می شناسم که در هزاران فرسنگ با هم می پیوندند مانند آفتاب دل دل زنان خلیج مانند آفتاب خونین نام کورب.

براستی این افقهای ارغوانی را چه چیز چنین سرخ نام کرده است؟ آیا خورشید شهبان یکگانه؟ و یا شعله خشم آکین انقلاب؟

و این شعله خشم آکین انقلاب تنها بسراغ کاخها در شمال نخواهد رفت، بل بسراغ زندانها در جنوب نیز خواهد آمد و بنیاد فساد و استم، را یکجا خواهد سوخت.

یکجا خواهد سوخت، ای برادر من، زیرا آن تو شاخه یک درختند و سپس شعله به آسمان خواهد تاخت و به خورشید خواهد پیوست، زیرا نورها نیز همه از یک سرچشمه اند.

آری، نورها همه از یک سرچشمه اند و پیوند دلها و سرودها و یاران در غربت و یاران در زندان همه از همین جاست.

شدهای جنوب سوزان است و تنهایی زندان دلگیر، ولی ای برادر من، خورشید در اشکها میدرخشد و میان دلها فاصله نیست.

مصاحبه مخبر «الخبار» بارفیق رادمش

در جلسه همبستگی با خلق قهرمان ویتنام

است که بحق احترام عمیق و پشتیبانی کلیه خلق های جهان را بخود جلب نموده است. بدینوسیله مردم ایران که خود برای رهایی از چنگال امپریالیست های امریکائی و انگلیس مبارزه میکنند نمیتوانند نسبت به سرنوشت خلق دلاور ویتنام علاقمند نباشند. سخنران پس از اشاره به موارد مشخص پشتیبانی حزب توده ایران از پیکار عادلانه خلق ویتنام گفت: «مادر پیروزی مردم ویتنام در مبارزه آزادیبخش خود ذره ای تردید نداریم و بسا بی صبری تمام انتظار روزی را میکشیم که پرچم نصرت و پیروزی بر فراز تمام خاک ویتنام باهتر از درآید. با انتظار آن روز فرخنده همه باهم در این آرزوی بزرگ. پیروز باد مبارزه خلق قهرمان ویتنام».

پس از پایان این سخنرانی رفیق هوانگ وان نماینده سازمان دانشجویان جمهوری دموکراتیک ویتنام از برگزاری این جلسه تشکر نمود و گفت: «ما از آغاز تجاوز امریکا، پیروزی های زیادی بدست آورده ایم و بسا عزم راسخ نبرد خود را ادامه میدهیم. ما خوب میدانیم که دموکراسی و اتحاد و صلح در ویتنام نه تنها برای مردم ویتنام بلکه برای تمام مردم جنوب شرقی آسیا اهمیت فراوان دارد. امریکائیها میگویند صلح را بپذیرید تا بمباران را قطع کنیم. معنی این صلح چیست؟ مگر میتوان زیر بمباران دشمن صلح را پذیرفت؟ ملت ما زانو نخواهد زد، و تا امریکا را از خاک خود بیرون نکند باز نخواهد ایستاد. این روزها در هانوی پایتخت جمهوری دموکراتیک ویتنام مردم بنسبیت ساقط ساختن ۲۰۵۰ هواپیمای امریکائی جشن میگیرند تا اگر میخواوزان هزاران هواپیما و میلیونها سرباز هم بفرستند باز ما خواهیم جنگید». در خاتمه نطق، رفیق هوانگ وان از کشورهای سوسیالیستی و دیگر نیروهای ترقیخواه جهان بخاطر کمکهای بیدریشان تشکر نمود.

برای ابراز همدردی و همبستگی با خلق قهرمان ویتنام، با ابتکار یکی از سازمانهای حزبی در مهاجرت جلسه ای با شرکت عده ای از اعضا حزب توده ایران، نمایندگان سازمان دانشجویان جمهوری دموکراتیک ویتنام و چند مهمان خارجی تشکیل گردید. نماینده بوروی کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن سخنرانی خود در این جلسه گفت: «سالیان دراز است که آتش جنگ تجاوزکارانه ای که یغماگران امریکائی در ویتنام برافروخته اند ادامه دارد. امپریالیستهای امریکائی با وجود نیروی هنگفت نظامی و متمرکز ساختن قوای عظیمی که با در نظر گرفتن ۵۰۰ هزار نفر لشکریان تحت فرمان حکومت سایگون و وابستگان امریکائی بالغ بربک میلیون نفر میشود تاکنون کوچکترین موقعیتی در این جنگ رسوا بدست نیآورده اند. پایداری بی نظیر و مقاومت قهرمانانه خلق دلیر ویتنام، کلیه نقشه های را هزان امپریالیستی را نقش بر آب کرده است. سنای امریکا رسماً اعتراف نمود که ۸۰ درصد از خاک ویتنام جنوبی در دست جنگاوران آزادیبخش است. در کلیه عملیات نظامی، شیوه های جنگی که امریکائیان برای محاصره و انهدام نیروهای نجاتبخش بکار برده اند، همواره با عدم موفقیت مواجه گردیده است و هیچگاه نیروهای آزادیبخش ملی در دام گازانبرها و محاصره ها نیفتاده اند. نیروهای آزادیبخش ملی بنا به اراده خویش مجتمع میشوند، ناپدید میگردند، از نو در جای دیگر پدید میشوند و پس از وارد ساختن ضربات سخت بردشمن پسرانده میگردند. این زرش و انعطاف نیروهای نجات بخش از آن جهت است که تمام خلق در این جنگ شرکت دارد. از سوی دیگر مردم جمهوری دموکراتیک ویتنام با قهرمانی بی نظیری در برابر بمبارانهای جنایتکاران امریکائی ایستادگی میکنند و با موفقیت روز افزون به نیروی هوائی امریکا تلفات و لطمات شدیدی وارد میکنند. همین پایداری عظیم و دفاع قهرمانانه

امپریالیسم در خاورمیانه مبارزه میکنند باشند و از همه نیروهای ملی و دموکراتیک کشور دعوت کرده است که برای کمک بملل عرب و مبارزه با نقشه های امپریالیستها متحد شوند و نگذارند که کشورهای امپریالیستی از کشور ما بماند. پایگاه دیگری علیه جنبشهای رهاییبخش ملی در خاور نزدیک استفاده ننمایند.

مخبر روزنامه الاخبار گفت: اخیراً مطبوعات ایران با سرو صدای زیادی خبری در باره کشف یکی از مطابع مخفی حزب توده ایران منتشر کرده اند خواهشمندیم اگر ممکن است در این باره اطلاعاتی در اختیار خوانندگان ما بگذارید.

رفیق رادمش در پاسخ گفت: مدتیست که در کشور ما هر گونه آزادی فردی و اجتماعی از مردم سلب گردیده است، اصول قانون اساسی ایران زیر پا گذاشته شده است و افزارهای دموکراسی از مطبوعات گرفته تا مجالس ایران به عرصه لاف و گزاف گویان رژیم تبدیل شده و هر روز گروههای تازه از حزب ما وسایر نیروهای ملی و دموکراتیک بزندانها روانه میگردند و به محکومیت های سنگین محکوم میشوند، مطبعه ای که اخیراً باصطلاح مأمورین انتظامی کشف گردیده خود یک سند زنده فقدان آزادی بیان و قلم در کشور است و این نخستین مطبعه نیست که کشف میشود و آخرین نیز نخواهد بود. حزب ما باین اقدامات ضددموکراتیک اعتراض میکند و همه نیروهای ملی و دموکراتیک را برای احیاء اصول قانون اساسی و سنن دموکراتیک آن دعوت میکند، حزب ما همانطوریکه ۲۵ ساله آن نشان میدهد در هیچ شرایطی فعالیت خود را تعطیل نخواهد کرد و تا پیروزی نهائی مبارزه ادامه خواهد داد.

بقیه از صفحه ۱

نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران به اوتانت دبیر کل سازمان ملل متفق

انتخابات که باید بنام اعمال غیرقانونی مرتکبه بزبان حقوق حقه مردم ایران (حقوقی که میهن پرستان و دموکراتهای ایرانی طی سال های انقلاب مشروطیت با ایثار خون خود بدست آورده اند) چهره قانونی بدهد، چیزی جز یک شعبده بازی نیست.

آقای دبیر کل شما خود میتوانیید نگرانی و خشم عادلانه محافل دموکراتیک کشور ما را در برابر این صحنه سازی که آشکارا در جهت تشدید استبداد پلیسی و رژیم خودسری است درک نمائید. همچنین جهت حزب ما بمثابة نماینده زحمتکشان ایران بشما و بوسیله شما به کمیسیون حقوق بشر مراجعه مینماید و برضد این نقض های فاحش حقوق و آزادیهای مردم ایران اعتراض میکند.

ما از شما خواهشمندیم از شخصیت

مدت ۵ سال است در کشور ما مستقر است. ما دیگر از شکنجه هایی که در شعب سازمان باصطلاح امنیت بر زندانیان اعمال میگردد و از احکام اعدام جابرانه و تبعید خلاف قانون زندانیان سیاسی به نواحی بد آب و هوا و کشتار نمایش دهندگان بی سلاح در خیابانها و انواع فشارهای دیگری که بااعضا خانواده های زندانیان سیاسی وارد میشود سخن نمیگوئیم. در یک چنین شرایط غیر دموکراتیک است که دولت ایران قصد دارد در چهارم اوت ۱۹۶۷ دست به انتخابات بزند.

موافق فرمان شاه مورخ ۱۳ مه ۱۹۶۷ انتخابات مجلسین و نیز انتخابات مجلس مؤسسان که باید یکبار دیگر قانون اساسی را بنفع شاه تغییر دهد و حق تعیین نائب السلطنه را از مجلس سلب نماید در یکرروز اجرا میشود. لذا روشن است که در چنین شرایطی این

مصلوق است ممنوع هستند. عده کثیری از رجال و مبارزان که بحریانات سیاسی تعلق دارند در زندان و تبعیدند و بیش از ۲۰ هزار نفر مجبور بجای وطن و پناهندگی در خارج شده اند تا خود را از تعقیب پلیس برهاند. این اشخاص از حق داشتن گذرنامه ایرانی محرومند و امکان بازگشت به میهن از آنها سلب گشته است. مطبوعات دموکراتیک ممنوع است و حتی نشریات مجاز زیر سانسور پلیس قرار دارد.

پلیس سیاسی که نام سازمان امنیت کشور (ساواک) بر خود نهاده است بخود حق میدهد در مورد اجراء تعقیب های سیاسی بی پروا کلیه ضمانت هایی را که قانون اساسی کشور ما برای آزادی فردی قائل شده است (مانند مصونیت فردی اشخاص و اموال و مسکن) نقض کند.

حق داشتن وکیل مدافع بنا بر انتخاب خود از زندانیان سیاسی نه فقط در جریان بازجویی بلکه حتی در دوران دادرسی که معمولاً در دادگاههای درسته نظامی اجرا میشود سلب است.

چنین است چهره رژیم ترور پلیسی که

پیرامون برخی مسائل جنگ و صلح و انقلابهای آزادیدبخش ملی

(از زاویه حوادث جهانی اخیر)

جهان منظره نگرانی آوری بخود میگذرد. امپریالیسم جهانی خصات تجاوزکارانه خود را بشدت پیش از پیش بروز میدهد. تجاوز تبهکارانه امریکا به ویتنام ادامه دارد. اسرائیل تحت حمایت محافل امپریالیستی در دستبرد راهزنانه مناطقی از خاک کشور های عربی را اشغال کرده است و میکوشد این مناطق را در تصرف خود نگاهدارد. در یونان رژیم فاشیستی محافل نظامی حکمفرما است. استعمار دریای انگلیسی جنبش آزادیبخش مردم عدن را به خون میکشد. در آلمان غربی نیروهای میائتاریست و تلافیچواز دعای گستاخانه خود علیه جمهوری دموکراتیک آلمان و ازسایر دناوی ارضی و مرزی دست بردار نیستند.

نقشه قبلی خود در باره تجاوز به کوبا منصرف شده بود. منتها برای سرخ نگه داشتن صورت خود مشاله خروج موشکها را بمیان میکشید. برای خروج از این بحران در راه وجود داشت. با میابست راه جنگ جهانی را در پیش گرفت و با مسابقه در عرصه ماجراجویی به آلت عناصر هار یعنی جنگ افروز ترین نمایندگان امپریالیسم بدل شد و با استفاده از امکانات جدیدی که در نتیجه ارسال موشک فراهم آمده بود بحران را از طریق مسالمت آمیز حل کرد و ضمن آن موجودیت کوبا و تکامل انقلاب آنرا نیز تضمین نمود.

امریکا در قبال خروج موشکها تهدید کرد که از تهاجم به کوبا خودداری کند و متحدین خود را نیز از اقدام به تهاجم باز دارد. بدینسان امپریالیسم به هدف خود نرسید و مجبور به عقب نشینی شد. اتحاد شوروی میخواست موجودیت کوبا و انقلاب کوبا محفوظ بماند و به هدف خود رسید و امپریالیسم را به عقب نشینی واداشت. کوبا، انقلابی آزاد ماند. صاحب جهانی نجات یافت. اکنون که قریب ۵ سال از آن بحران خطرناک میگذرد جهانیان میبینند که جمهوری سوسیالیستی کوبا در ۹۰ میای کثمن قول امپریالیسم جهانی بر جای خود استوار استاده و نه تنها آزادی و استقلال خود را حفظ کرده بلکه در فکر رهایی خفایای سراسر قاره امریکای لاتین و نیز هست. کدام راه انقلابی تر و انقلابی بود؟ راهی که اتحاد شوروی تقویت کرد با راهی که انقلابی نمایان خاور دور تجویز میکردند؟ آنها بطوریکه میدانیم در حالی که خود دست روی دست گذاشته بودند شوروی تا سرحد تصادم میان اتحاد شوروی و امریکا را طلب میکردند. تصور اینکه پیرو از این دو صمیمه کوبا و سراسر جهان را به چه سروتنشی دچار مسیاحت دشوار نیست. امروز حتی مفرضترین افراد هم نمیتوانند بگویند که مشی خرمدندانان اتحاد شوروی در پرهیز از جنگ جهانی هسته ای برای حل بحران کارائیب «عقب نشینی» و «تسلیم» در برابر امپریالیسم بود. برعکس این امپریالیسم بود که در برابر سوسیالیسم عقب نشینی کرد و مجبور شد وجود کوبا، انقلاب را طوعاً و کرها در تیورس خود تحمل کند.

فیدل کاسترو نقش اتحاد شوروی وسیاست زادگاه انقلاب اکثراً در آن روزهای سخت، چنین ارزیابی کرده است: «کشوری که بخاطر دفاع از یک ملت کوچک، آنهم ملتی که هزاران کیلومتر از آن دورتر است، تمام سعی را که ملی ۵۰ سال کار خلاق و به بهای قربانیهای عظیم بدست آورده بود در کله ترازوی جنگ هسته ای قرارداد. چنین کشوری با تمام مجد و عظمت خود خواهد درخشید. کشور شوروی که دوران جنگ کبیر میهنی علیه فاشیستها بیش از همه جمعیت کوبا قربانی داد تا از حق حیات و ثروت های عظیم خود دفاع کند، هنگامیکه پای دفاع از کشور کوچک ما بمیان آمد، دراستقبال از خطر جنگ صعب تزلزل بخود راه نداد. تاریخ نظیر این همبستگی را بیاندازد. اینست انترناسیونالیسم! اینست کمونیسم!»
۱ - بیسکار آزادیبخش ویتنام - اتهام «تسامح» و «عقب نشینی» در قبال امپریالیسم در مورد چگونگی روش کشور های سوسیالیستی نسبت به تهاجم وحشیانه امریکا علیه خلق ویتنام نیز اغلب بگوش میخورد. اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی کمک موثر به بیسکار آزادیبخش مردم ویتنام و طبقه انترناسیونالیستی و مایه انتخار خود میدانند. در باره میزان و اثر بخشی کمکهای این کشورها و فرجه اول کمکهای اتحاد شوروی به ویتنام همراهم خود رهبران مردم ویتنام چه در شمال و چه در جنوب کشور بیش از هر کسی اطلاع دارند و ارزیابی خود را در این باره بگراقتنام کرده اند. دانگ گوانگمن رئیس هیئت نمایندگان دائم جبهه ملی آزادیبخش ویتنام جنوبی در اتحاد شوروی در آستان پنجمین سالروز تشکیل این جبهه ضمن ارزیابی کمکهای همه جانبه، اتحاد شوروی و همبستگی خیل ناپذیر بیسکار جوانه، مردم شوروی با ویتنام مبارز نوشت: «ما اطمینان داریم که حزب کمونیست و دولت اتحاد شوروی با خلق ۲۳۰ میلیون نفوی شوروی همیشه جانبدار ما خواهند بود. در اعلامیه رسمی صادره در هانوی در ژانویه سال گذشته تصریح شد که هیئت پیگیر در صفحه ۴

جهانی اول و بخصوص در جریان جنگ در کنفرانسهای سیمروالد و کینتال و غیره و نیز مجاهدات پیکیر اتحاد شوروی برای جلوگیری از دومین جنگ جهانی در صفحات تاریخ ثبت است. با وجود این اگر امروز نیز سلاح جنگی خصلت مخوف کنونی خود را نداشت مسئله جنگ و صلح با حدت کنونی آن مطرح نبود ولی سلاح هسته ای در تکنیک جنگی تغییرات کیفی ایجاد کرده است. پیدایش سلاحهای هسته ای و موشکی و غیره به جنگ جهانی جدید خصالتی میدهد که هیچ انسان دارای عقل سالم نمیتواند حکم کند که چنین جنگی به انقلاب جهانی و به پیروزی سوسیالیسم کمک خواهد کرد و آینده زیبا، به جامه بشری نرسد خواهد داد. متخصصین در باره عواقب محتمل جنگ جهانی جدید نتیجه گیریهای بسیار صریح کرده اند. مثلاً اینوس پولینک دانشمند مترقی امریکائی در کتاب خود بنام «نابود باد جنگ، حساب کرده است که ۶۰ روز پس از شروع جنگ هسته ای از ۱۹۰ میلیون امریکائی ۱۷۰ میلیون نفر نابود خواهند شد و ۱۵ میلیون نفر از آن اسبب جلدی خواهند دید و تنها ۵ میلیون نفر ممکنست بمانند سالم بمانند. طبیعی است که در مناطق دیگر جنگ جهانی نیز وضع از این بهتر نخواهد شد. تازه عواقب بطنی جنگ هسته ای یعنی سمومیت رادیو اکتیو نیز از گریبان بازماندگان، جامه بشری دست بر نخواهد داشت. البته نظام سرمایه داری و امپریالیسم جهانی در آتش این جنگ خواهند سوخت و از آنها جز نام نخواهد ماند. ولی هیچ عنصر ترقیخواهی چنین «آینده» ایرا برای انسانها نخواهد پسندید. راه ترقی و تعالی جامعه بشری را از زوایای چنین جنگی تجویز نخواهد کرد. در جنگ جهانی هسته ای تاملت میان جبهه و پشت جبهه بطور عمده و یا بکلی از بین خواهد رفت.

حتی اگر بزعم مبلغین چنین قبول کنیم که در صورت بزور جنگ هسته ای فقط حد اکثر نیمی از سکنه کره زمین نابود خواهند شد، باز هیچ انسان دارای عقل سلیمی نباید ایمان به سروتنش ملل لایقید باشد و چنین دورنمایی را «آینده زیبا» برای جامعه بشری بداند. اگر کسی بخواد بخاطر «انقلاب جهانی» و نزدیک کردن آن از چنین مشی ضد انسانی و ضد ملی پیروی کند، توده مردم زحمتکش بیشک دست رد بسته او خواهند کوفت و هرگز حاضر نخواهند شد زمام سروتنش خود را بدست چنین انقلابی نماندنی بسپارند. پیروی از چنین مشی تبهکارانه ای خیانت به جنبش آزادیبخش ملی، خیانت به انقلاب جهانی است.

در اینجا ممکن است در امپریالیستها چنین سوالی مطرح شود که اگر امپریالیستها که خود از مخالفت جنگ جنگ هسته ای هسته ای بخوبی خبر دارند و از وجود مقادیر کانی سلاحهای هسته ای و موشکی در زرادخانه اتحاد شوروی و از آمادگی نیرو های مسلح شوروی برای وارد ساختن ضربت مقابل هسته ای آگاهند، جرات اقدام به جنگ هسته ای را خواهند داشت؟ پاسخ این سوال آنستکه مادامکه امپریالیسم وجود دارد نیروهای ارتجاعی بعنوان آخرین وسیله حفظ تسلط خود دودستی بنا بر انواع اسلحه و بخصوص سلاح هسته ای و موشکی خواهند سبید. میائتاریستها جنگ جهانی هسته ای را از محاسبات خود خارج نکرده اند و صورت بروز جنگ جهانی اسلحه های هسته ای استفاده خواهند کرد. البته این بدان معنی نیست که در محافل امپریالیستی عناصر واقع بین وجود ندارند. ولی در عین حال خطا است اگر تصور شود که این محافل از وجود «عناصر هار» یعنی عناصر ماجراجو و دیوانه سرخالی است. در مطبوعات غرب اظهارات عناصر افراطی هار که حاضرند خود را بهر آب و آتش بزنند و حتی در جنگهای موضعی نیز جداً خواستار بکار بردن سلاح هسته ای هستند کم نیست. در محافل نظامی

مسله جنگ و صلح

دوران ما شناخته شده است. این مسئله قبل از دومین جنگ جهانی نیز اهمیت حیاتی داشت. حتی لنین سالها پیش خاطر نشان ساخته بود که جنگ جهانی بدلت آنکه در آن بمقیاس وسیع از دستاوردهای علمی و فنی برای کشتار میلیونها انسان استفاده میشود عواقب بیش از پیش هولناکی ببار خواهد آورد. لنین میگفت جنگ جهانی با چنین کیفیتی علاوه بر آنکه بزرگترین تبهکاری است ممکنست کار را به «نابودی شرایط موجودیت جامعه بشری بکشاند» (جلد ۲۷، ص ۳۸۶). لنین منوب پیشینی عواقب مهیب جنگ جهانی آینده میگوید: «زمانی خواهد رسید که جنگ آنجهان مخرب خواهد گشت که اقدام پان بکلی غیر ممکن خواهد شد» (از خاطرات کسروپسکابا، در باره لنین، ص ۴۰ - ۴۱).

این سخنان را لنین در حدود ۵۰ سال پیش یعنی در سال ۱۹۱۸ گفته است. از آن زمان تاکنون علم و تکنیک و هواوات آن تکنیک جنگی پیشرفت عظیم کرده است. پیدایش سلاحهای مخوف اتمی و هسته ای و موشکی و غیره خطر جنگ جهانی را صدها و هزارها بار شدیدتر از ۵۰ سال پیش کرده است. مردم زحمتکش هیچگاه برای رسیدن به آلمان های حیاتی و هدفهای انقلابی خویش به جنگ جهانی نیاز نداشته اند. ولی ممکنست مسئله اینطور مطرح شود که: دو جنگ جهانی گذشته غیرمطلوبه و مصائب دهشتناک آن تلافی ببار آوردند که سیر تکامل تاریخ جهانی را تسریع کردند و زمینه مساعی را برای تأمین «آینده زیبایی» مردم زحمتکش و تمام جامعه بشری هموار ساختند. بدین معنی که از میان ویرانه های جنگ اول جهانی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر و نخستین کشور سوسیالیستی جهان و از میان خاکستر شهرها و میلیونها قربانی دومین جنگ جهانی، اردوگاه جهانی سوسیالیستی سربروز آورد. در قبال این نحوه طرح مسئله باید گفت که اولاً در دو جنگ جهانی گذشته بسبب خصلت سلاحهای که در آنها بکار میرات هنوز مسئله «موجودیت سراسر جامعه بشری» مطرح نبود و ثانیاً حتی در آستان همان جنگها نیز ترقیخواهان جهان و در رأس آنها کمونیستها با تمام قوا میکوشیدند از جنگ جهانی جلوگیری کنند. مبارزات سرمدت لنین علیه جنگ در آستان جنگ

آیا امپریالیستها جرات اقدام به جنگ هسته ای را دارند؟

در زرادخانه اتحاد شوروی و از آمادگی نیرو های مسلح شوروی برای وارد ساختن ضربت مقابل هسته ای آگاهند، جرات اقدام به جنگ هسته ای را خواهند داشت؟ پاسخ این سوال آنستکه مادامکه امپریالیسم وجود دارد نیروهای ارتجاعی بعنوان آخرین وسیله حفظ تسلط خود دودستی بنا بر انواع اسلحه و بخصوص سلاح هسته ای و موشکی خواهند سبید. میائتاریستها جنگ جهانی هسته ای را از محاسبات خود خارج نکرده اند و صورت بروز جنگ جهانی اسلحه های هسته ای استفاده خواهند کرد. البته این بدان معنی نیست که در محافل امپریالیستی عناصر واقع بین وجود ندارند. ولی در عین حال خطا است اگر تصور شود که این محافل از وجود «عناصر هار» یعنی عناصر ماجراجو و دیوانه سرخالی است. در مطبوعات غرب اظهارات عناصر افراطی هار که حاضرند خود را بهر آب و آتش بزنند و حتی در جنگهای موضعی نیز جداً خواستار بکار بردن سلاح هسته ای هستند کم نیست. در محافل نظامی

پیرامون برخی مسائل جنگی و صلح و انقلابهای آزادیبخش ملی

نمایندگی جمهوری دموکرات ویتنام... بمناسبت کمکهای بزرگ و ارزنده مردم شوروی، حزب کمونیست و دولت ایحاد شوروی به ما پریشرفت اقتصاد، تحکیم قدرت دفاعی جمهوری دموکراتیک ویتنام و پشتیبانی نیرومند آنان از پیکار آزادیبخش مردم ویتنام مراتب سپاسگزاری خوردا ابراز میدارند. - رفیق له زوان دبیر اول کمیته مرکزی حزب زحمتکشان ویتنام ضمن سخنرانی خود در کنفرانس ۲۲ حزب کمونیست اتحاد شوروی پس از گذراندن از کمکها و پشتیبانی مؤثر اتحاد شوروی از مبارزه آزادیبخش مردم ویتنام گفت:

برای ما کمونیستهای ویتنام دو وطن وجود دارد: یکی ویتنام و دیگری اتحاد شوروی. اینها فقط چند نمونه عالی از آرزیانی نمایندگان خلق قهرمان ویتنام است.

عزیزان! بر آرزویهای صبحگاه خردگیریهایی

کشورهای عربی نیز کمک کشورهای سوسیالیستی و در درجه اول اتحاد شوروی برای مقابله با این تجاوز سالها تدارک دیده بودند. طبق گواهی مطبوعات جهان اتحاد شوروی بیش از ۲ میلیارد دلار تنها برای تقویت قدرت دفاعی جمهوری متحده عربی کمک کرده بود.

ولی محافل جنگ طلب اسرائیل باتوسل به تزویر و شیوه های مچیلانه و خدعه گرانه در همانحال که اطمینان میدادند بهچگونه سرچنگ نذارند ناگهان دست به تجاوز زدند و توانستند موقتاً پیروزیهای سریع بدست آورند.

البته در اینمورد بطوریکه میدانیم غفلت ها و خطا های برخی از فرماندهان نظامی کشورهای عربی شاید بیش از خدعه گریهای اسرائیل نقش داشته است و ما لازم نمیدانیم در این باره به تفصیل بپردازیم. ولی عزیزم این عوامل اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی وظیفه خود را در زمینه متوقف ساختن تجاوز تمام و کمال انجام دادند. اخطار جنی و درصوالت اتحاد شوروی و اقدامات مؤثر آن در سازمان ملل متحد و غیره این بار نیز مثل سال ۱۹۵۶ پیشروی متجاوز را متوقف ساخت. تصور این امر دشوار نیست که اگر این مجاهدات اتحاد شوروی نبود ادوات الان نیروهای اسرائیلی درجه تقامتی مستقر بودند. ولی اتحاد شوروی تنها به متوقف ساختن پیشروی متجاوز بسنده نکرد و به فعالیت مجادانه برای ملای ساختن عواقب تجاوز اسرائیل دست زد.

آگسی کاسیگین ضمن سخنرانی خود در اجلاس فوق العاده مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلام کرد که: «اتحاد شوروی اشغال مناطقی را که توسط اسرائیل انجام گرفته برسمیت نمیشناسد و اگر دولت اسرائیل تجاوز را موقوف نکند و نیرو های خود را به پشت خط آتشیس عقب نکشد کشورهای سوسیالیستی و عربی بعمل خواهند آورد تا این ملل بتوانند برای دفع متجاوز به مقابله قاطع برخیزند» «حقوق حقه خویش محفوظ دارند» «احقاق جنگ را در خاور نزدیک خاموش سازند و صا ح را در این منطقه احیا کنند».

لئونید برژنف در همان ضیافت انصراف فارغ التحصیل گفت: «ما میخواهیم باردیگر تاکید کنیم که متجاوز موظف است بساط خود را از خاک دیگران بیرون بکشد و خسارات وارده به ملل جمهوری متحده عرب، ازدق و سوریه را جبران کند. این حکم آمرانه عدالت است. این حکم مردم شوروی و مردم شریف سراسر جهان است.»

این سخنان نیازی به تفسیر ندارد. اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی با دفاع مجادانه و پشتیبانی قاطع مادی و معنوی از ملل عربی بار دیگر وفاداری خود را به این ملل و باور کالی به جنبش آزادیبخش ملی سراسر جهان در عمل نشان میدهند. میتوان تردید نداشت که اسرائیل چاره دیگری جز عقب نشستن و بازپس دادن مناطق اشغالی در کشور های عربی نخواهد داشت.

بدینسان در این عرصه جنبش آزادیبخش ملی نیز نیروهای امپریالیستی بهچگونه نتوانستند و نخواهند توانست بمقاصد اصلی خود یعنی سرکوب جنبش و سرنگون ساختن رژیم های مترقی و تحکیم تسلط خود نسائل آیند. تغییر تناسب قوای جهانی که بسود سوسیالیسم انجام گرفته و میگیرد راه را بر نیرو های متجاوز در این منطقه سد میکند.

۳ - حوادث خاور نزدیک - اسرائیل و حامیان امپریالیستی آن سالهاست که علیه کشورهای ازبند رسته عرب مقاصد تجاوز کارانه ای تعقیب میکنند. هدف آنها عبارتست از سرنگون ساختن رژیم های جمهوری متحده عرب و سوریه و سایر کشورهای عربی که با مبارزه قاطع خود در راه تحکیم استقلال ملی و تأمین ترقی و تمامی ملل خویش راه رشد غیر سرمایه داری را در پیش گرفته و مورد کینه شدید امپریالیستها هستند.

کشور های عربی با این مبارزه برای جنبش آزادیبخش ملی ضد استعمار مردم کشورهای همسایه خویش نیز زمینه مساعدی بوجود میآورند و منافع سیاسی و اقتصادی و نظامی امپریالیسم پیروژه منافع نفتخواران جهانی را سخت به خطر میاندازند. در تجاوز اخیر اسرائیل نیز همین هدف تعقیب میشود. برای این تجاوز اسرائیل و حامیان امپریالیستی اش سالها تدارک دیدند و میلیاردها دلار صرف کرده بودند.

نهائی خواهد رسید. حوادث اخیر خاور نزدیک برغم امپریالیستها روحیه انقلابی را در میان توده های مردم کشورهای عربی بر مراتب قویتر کرده و اراده آنها را برای نیل به پیروزی را سخت تر ساخته است. مواضع واقعی انقلاب در این کشورها محکمتر شده است.

بطوریکه میدانیم پیکار آزادیبخش انقلابی ازبیک سلسله نبردها و رزمها تشکیل میشود. راه این پیکار سرراست نیست. فراز و نشیب دارد. کامیابی و نا کامی دارد. مبارزات واقعی حق ندارند تحت تأثیر عوامل موقت و زودگذر قرار گیرند.

لئونید برژنف در سخنرانی روز ۵ ژوئیه همین مطلب را خاطرنشان ساخت و گفت: «ما از پشت این توریون میخوابیم به دوستان عرب خود بگوئیم: مردم شوروی اینک میدانند که شما اکنون روز های دشواری را میگذرانید ولی در پیکار آزادیبخش - بطوریکه تاریخ هر مسانی گواهی میدهد - تنها پیروزی وجود ندارد؛ نا کامیهای موقت هم هست. ولی این نا کامیها نمیتواند اراده مردمی را که با کامیابهای استوار راه آزادی و استقلال را در پیش گرفته اند در هم شکند. این نا کامیها فقط عزم انسانرا در مبارزه راسخ میسازد. دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی افزود که «آزادی ملی واجتماعی امر حق است وبخاطر آن باید مجدانه در تحکیم کشورهای از بنرسته و تقویت قدرت دفاعی آنان کوشید و همیشه برای دفع دسائس تجاوز کارانه امپریالیسم آماده بود».

رهبران کشورهای عربی و نمایندگان رسمی آنها برای پشتیبانی مجادانه اتحاد شوروی از مبارزه ملل عرب ارزش عالی قائل شده اند.

جمال عبدالناصر روز ۲۲ ژوئیه ضمن سخنرانی خود بمناسبت پانزدهمین سالروز انقلاب مصر در میان کف زندهای پرشور حاضران گفت: «اتحاد شوروی جانبدار ما است» از لحاظ سیاسی واقتصادی بما کمک میکند و فرجهای نیروهای مسلح ما مجاهدت میورزد.

عبدالناصر چنین دیگر ضمن بیانم به دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی میگوید: «خرستند از این که... مراتب سپاسگزاری عمیق خلق جمهوری متحده عرب و شخص خود را بمناسبت موضعگیری دوستانه و کمک های قاطع و مساعی عظیمی که در پشتیبانی از پیکار عادلانه خلق عرب... میذول داشتهاید ابراز دارم... خلق ما پیکار خود را با عزم راسخ و ایمان کامل به پیروزی این پیکار و بنا کار و بون برانداختن عواقب تجاوز ادامه خواهد داد».

هوری یویندین نیز روز ۷ ژوئیه در پیام خود به رهبران شوروی چنین نوشت: «بدینمادگی اظرف خلق الجزیره» شورای انقلاب دولت الجزیره و شخص خود مراتب سپاسگزاری و رضامندی خودمد را بمناسبت پشتیبانی متبخش مردم و دولت شوروی از پیکار عادلانه کشورهای عرب علیه تجاوز اخیر امپریالیسم آمریکا و اعمال آن اسرائیل ابراز میپردازیم... همیستی مؤثر اتحاد شوروی با مبارزه خائضی عرب علیه امپریالیسم آمریکا به احقاق حقوق حقه کشورهای عرب... کمک فراوان خواهد کرد».

سفرای کبار ۱۲ کشور عربی در مسکو ضمن اعلامیه مشترک درباره حوادث اخیر خاور نزدیک تصریح کرده اند که: «اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی در بجموحه نهجام تبهکارانه اسرائیل بار دیگر پشتیبانی مادی و معنوی و سیاسی و دوستی خود را به ثبوت رسانند». اتحاد شوروی در شورای امنیت حد اعلامی مساعی خود را برای محکوم ساختن متجاوز و خروج نیرو های آن از مناطق تحت اشغال بکار برد. در نتیجه این مساعی سیاست امپریالیستها که با اسرائیل بندوبست کرده و برای عملی ساختن توطئه علیه کشورهای عربی سعی داشتند اثر بخشی شورای امنیت را در زمینه تحکیم صلح جهانی فلج سازند، خنثی شده. سپس در اعلامیه گفته میشود اتحاد شوروی «بار دیگر وفاداری خود را نسبت به دوستی با ملل عرب نشان داد و در مبارزه علیه بیعدالتی و خدعهگری جانب آنرا گرفت» تصمیماتی که از طرف رهبران شوروی اتخاذ شده است گواه جدیدی است بر دوستی عمیق ملل ما و آمادگی اتحاد شوروی به بذل هرگونه کمک برای تأمین کامیابی مبارزه ملل عرب در راه آزادی. در اعلامیه بخصوص خاطر نشان شده است که «بسیاری از انصراد شوروی نامه هایی بعنوان

سفارتخانه های کشورهای عربی فرستاده و ضمن آن آمادگی خویش را برای پشتیبانی از عرب علیه استعمار و امپریالیسم و عمل اسرائیلی آن ابراز داشته اند».

اتحاد شوروی سیاست همزیستی مسالمت آمیز را اصل اساسی سیاست خارجی خود با کشورهای امپریالیستی قرار داده و مراجرای آن صدیق و بیگیر است. پیروی از اصل لنینی همزیستی مسالمت آمیز هیچگونه تعارضی با پشتیبانی اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی از انقلابهای آزادیبخش ندارد. لئونید برژنف در همان سخنرانی بخصوص خاطرنشان ساخت که: «اتحاد شوروی در عین اجرای سیاست همزیستی مسالمت آمیز قصد ندارد اعمال متجاوزین را مغض عین کند. محافل امپریالیستی باید این مطلب را جدآ بخاطر بسیاری که اصل لنینی جنگهای عادلانه و غیر عادلانه اکنون هم به قوت خود باقی است و اتحاد شوروی در قبال هرگونه دسائس جنگ افروزان قاطع عمل خواهد کرد و از ملل مبارز راه آزادی و استقلال ملی پشتیبانی خواهد نمود».

صحت این سخنان را اتحاد شوروی همیشه با اقدامات مشخص خود در عمل نشان میدهد. ولی اتحاد شوروی همانطور که در قبال صدور ضد انقلاب با قاطعیت عمل میکند صدور انقلاب را نیز بکلی مرسوم میداند و انقلاب را امر داخلی خود مردم هر کشور می شمارد. اگر در داخل کشوری شرایط

عینی و ذهنی واقعی با محاسبه دقیق عوامل داخلی و خارجی برای انقلاب فراهم باشد اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی از کمک مؤثر به امر انقلاب آن کشور کوتاهی نخواهند کرد.

ولی در این مورد باید یک نکته را جدآ در نظر داشت و آن اینکه در دوران ما در هر جنبش انقلابی میان عوامل داخلی و خارجی تناسب عینی معین وجود دارد. در قرنی که در آن جهان دو سیستم اصلی متضاد در برابر یکدیگر ایستاده اند و مساحضای هسته ای و موشکی خصلت جنگ جهانی را در گرو ساخته اند فکر پسوجی است اگر تصور شود که تمام مضطلات را میتوان به نیروی اسلحه حل و فصل کرد. بهمین جهت نیرو های انقلابی برنامه عمل خود را ناگزیر باید با احتساب دقیق چگونگی تناسب عوامل داخلی و خارجی تنظیم کنند. در این احتساب نه میتوان تکیه بر نیروی خود را مطلق کرد و نه میتوان تنها به عامل خارجی متکی شد.

در جهان ما که سوسیالیسم رفته رفته به عامل قاطع تکامل جهانی بدل میگردد پیروزی نهائی مسامأ با جنبش ها و انقلابهای آزادیبخش است. اتحاد شوروی وسایر کشورهای سوسیالیستی از تمام ملل مبارز راه آزادی و استقلال در قبال امپریالیسم جهانی پشتیبانی میکنند. ولی این پشتیبانی با تناسب قوای جهانی مطابقت دارد. سوسیالیسم در سیر تکامل خود به عامل قاطع تکامل جهانی بدل میگردد ولی هنوز بدل شده است. بنابراین این نیرو های سوسیالیسم نمیتواند در هر موردی حکم قاطع خود را صادر کنند. توجه باین نکته برای نیرو های انقلابی در تنظیم چگونگی برنامه عمل آنها ضرورت حیاتی دارد.

انقلاب را به نیروی سحر عبارت پردازای انقلابی چپ نمیتوان تسریع کرد. با سحر عبارات و با فریاد و فغان انقلابی حتی سست بنیان آزرین بناها فرو نمیروزد. باید با تدبیل و خونسردانه عوامل داخلی و خارجی و با استفاده واقع بینانه از شرایط مساعدی که در نتیجه تغییر تناسب قوا بسود نیرو های مترقی در جهان پدید آمده است در راه تحقق آرمانهای انقلابی توده ها کوشید. مسابقه در زمینه ماجراجویی و جنگ افروزی نشان انقلابی گری نیست. فقط انسانهای عاصی و دست از چلن شسته مکتستد در چنین عرصه ای تن به مسابقه بدهند.

حوادث اخیر برخلاف تبلیغات بدخواهانهای که از راست و چپ انجام گرفته نشان میدهد که ملل مبارز راه آزادی و استقلال ملی تمام امکانات لازم را برای دفع تجاوزات امپریالیستی و تأمین منافع انقلابی خویش در اختیار دارند و با استفاده صحیح از امکانات ناشی از تغییر تناسب قوای جهانی میتوانند به آرمانهای انقلابی خویش تحقق بخشند.

نامه سرگشاده کمیته مرکزی به مجلسین شورا و سنا

قشرها و حتی افراد مشخصی از جامعه ما و اکثر ارباب طبقات و قشرهای زحمتکس وضع میشوند بلکه همین قوانین و مقررات ماهیتاً غیرابریز بطور یکسان درباره همه اشخاص رعایت نمیگردد. کمی میتواند علیرغم واقعیات مدعی شود که در کشور ما کارگر و کارفرما، دهقان و مالک از نظر اجراء قوانین بیک چشم دیده میشوند و مراجع دولتی و دادگستری درباره شکایات هریک از آنان بطور برابر رسیدگی میکنند؛ تبعیضاتی که در کلیه ادارات و مؤسسات دولتی بر اساس زد و بندها رشوه گیریها، رفاقتها و بسویزه سفارشهای مقامات عالی دولتی انجام میگردد بسرحداشیع رسیده است و گمان نبرود برای اثبات آن احتیاج باقامه حجت و بیته باشد.

این تجاوزات و نابرابریها در مورد حقوق سیاسی و اجتماعی بازم بر جسته تر است. یکی از حقوق مسلمه سیاسی مردم ایران آزادی اجتماعات است که در اصل ۲۱ متمم قانون اساسی برار زیرین تصریح گردیده است: «انجمنها و اجتماعاتی که مولد فتنه دینی و دنیوی و مخل نظم نباشد در تمام مملکت آزاد است ولی مجتبعین با خود اسلحه نباید داشته باشند و ترتیباتی را که قانون در این خصوص مقرر میکند باید متابعت نمایند. اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی هم باید تابع قوانین نظمی باشد.»

لا بد توجه دارید که طبق این اصل هیچگونه حقی برای دولت و مجلسین در باره تفکیک اجتماعات و انجمنها بر اساس عقیده سیاسی و اجتماعی شناخته نشده است و محدودیت هائی که تصریح شده است صرفاً جنبه انتظامی دارد. بنابراین واضح است که حتی قانونی که مجلسین میباید طبق این اصل درباره احزاب و اجتماعات وضع نمایند (وظیفه مهمی که هنوز بس از ۶۰ سال از تاریخ تصویب متمم قانون اساسی همچنان در بوته اجمال مانده است) فقط مربوط به تعیین «ترتیبات» شرایط و مقرراتی است که باید حاکم بر تشکیل و اداره انجمنها و احزاب و اجتماعات گردد و نمیتواند شامل هیچگونه محدودیت عقیده‌ای و سیاسی باشد.

از طرف دیگر بنا بر همین اصل هیچگونه اختیاری بدولت در مورد جلو گیری و ممنوع ساختن احزاب و اجتماعات و تفکیک آنها بر حسب عقاید و نظریات سیاسی و اجتماعی نفی نگردیده است. تنها حقی که طی این اصل بدولت داده شده اینست که مقررات اجتماعات و نمایندهای مردم را در «شوارع و میدانهای عمومی» معین نماید یا عبارت دیگر قانون اساسی نمایش و اجتماع مردم را در کوچه و خیابان بخودی خود مجاز شمرده ولی بدولت اختیار داده است که برای تنظیم آنها مقررات و قواعدی وضع نماید.

اکنون بسو اقبیاتی که در کشور ما حکمفرماست توجه کنیم و به بینیم این اصل مهم آزادی و دموکراسی در همین ما چگونه اجرا میشود. از طرفی هنوز هیچگونه قانون و مقرراتی در باره احزاب و اجتماعات

تصویب مجلسین نرسیده و آئین نامه‌ای هم در این باره از جانب مراجع دولتی وضع نگردیده است و از سوی دیگر دولت خودسرانه از تشکیل و فعالیت کلیه احزاب و اجتماعات بجز آنها که خود ایجاد نموده و یا طرفدار او هستند با شدت تمام جلو گیری مینماید، حزب توده ایران را بدون هیچ مجوز قانونی منحل شده اعلام نموده است، فعالین و اعضاء حزب ما و سازمانهای دیگر سیاسی را برخلاف اصل دهم متمم قانون اساسی و قوانین مربوط به آئین دادرسی جزائیی بازداشت میکنند و بسویله مأمورین سازمان امنیت و شهرستانی شکنجه میدهند، علیرغم اصل یازدهم متمم قانون اساسی که مقرر میدارد: «هیچکس را نمیتوان از محکمه ای که باید در باره او حکم کند منصرف کرده مجبوراً بمعکله دیگر رجوع دهند»

و اصل ۷۲ که تصریح نموده است: «منازعات راجعه بحقوق سیاسی مربوط بمحاکم عدلیه است مگر در مواقعه که قانون استثناء نماید.» (مواقع معنای مورد نیست بلکه بمعنای زمان حدوث واقعه معین از قبیل حالت جنگ و غیره است.) بمحاکم نظامی استثنائی که از هر جهت غیر صالح برای رسیدگی باین قبیل جرائم هستند میفرستد و بی در پی احکام اعدام، حبس ابد با اعمال شاقه و مجازاتهای سنگین دیگر در باره آنها صادر مینماید. دولت برخلاف اصل ۲۴ متمم قانون اساسی که میگوید: «هیچیک از ایرانیان را نمیتوان نفی بلد یا ممنوع از اقامت در محلی یا مجبور باقامت در محل معینی نمود مگر در مواردیکه قانون تصریح میکند.»

بدلخواه خود و بدون حکم هیچ مرجع قضائی افرادی را تبعید میکند، مجبور باقامت در محل معینی مینماید و حتی بسویله ضبط، ابطال و یا عدم تفویض گمرنامه مانع از آن میشود که عده‌ای از ایرانیان مقیم خارجه بتوانند آزادانه بوطن خویش مراجعت نمایند. و با این عمل هزاران نفر ایرانی را خودسرانه از حق داشتن سند تابعیت کشور خویش محروم میسازند. بدین طریق رژیم کنونی کلیه کسانی را که چه انفراداً و چه بطور جمعی سازمانی باسیاست و خط مشی او موافق نیستند و یا حتی آنها که نظرشان با ذوق و سابقه حکومت تطبیق نمیکند و یا به اسلوب عمل وی انتقاد و ایراد دارند خودسرانه و بزور حبس و شکنجه و اعدام یا تهدید و ارعاب از دخالت در امور سیاسی و اجتماعی کشور واز انجام وظائف میهنی خویش محروم میسازد.

دولت نه تنها مقرراتی برای تظاهرات جمعی مردم یابنا باصطلاح متمم قانون اساسی برای «اجتماعات در شوارع و میدانهای عمومی» وضع نکرده است بلکه کوچکترین نمایش جمعی مردم را باسرنیزه و گلوله پاسخ میدهد. محوم وحشیانه پلیس دانشگاه تهران در بهمن ماه ۱۳۴۰ و قتل عام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ نمونه های بارز این روش ضد دموکراتیک رژیم کنونی بشمار میآیند. با اینکه اصل بیستم متمم قانون اساسی صریحاً آزادی مطبوعات را در عداد حقوق اساسی ملت ایران ذکر نموده و هر گونه مداخله

و تفتیش را «بجز در مورد کتب ضلال و مواد مضره بدین مبین» ممنوع ساخته است، دولت از کلیه مطبوعات و انتشارات مخالف خود عملاً سلب حق نموده و بسویله سازمان امنیت و شهرستانی در امور آن مطبوعاتی هم که مجاز شمرده شده است مداخله میکند. بهمین سبب است که احزاب و سازمانهای ملی و دموکراتیک ایران مجبورند یا نظریات و عقاید سیاسی و اجتماعی خود را در خارجه چاپ و منتشر سازند و یا با قبول انواع مضطرات جانی و مالی مخفیانه بچاپ و انتشار عقاید خود بپردازند. بنابراین مقدمات ملاحظه میشود که کلیه آزادیهای عمده سیاسی: آزادی عقیده، آزادی بیان، آزادی قلم، آزادی اجتماعات بسویله رژیم که از ۱۰ سال پیش تا کنون در کشور ما استقرار یافته منسوخ شده و حکومت استبدادی و ضد آزادی جانشین حکومت ملی و دموکراتیک گردیده است.

در چنین اوضاع و احوالی است که زمان انتخابات دوره ۲۲ مجلس شورا، دوره پنجم مجلس سنا و حتی انتخابات مجلس باصطلاح مؤسسائی که مأمور تغییر در اصول ۳۸ و ۴۱ و ۴۳ قانون اساسی و سلب اختیار تعیین نایب السلطنه از مجلسین است، صادر میگردد و یکبار دیگر مردم ایران باید ناظر صحنه سازی فجعی باشند که بی پروا بنام مشروطیت حقوق دموکراتیک را از ملت سلب میکند.

آقایان نمایندگان! انتخابات بمعنای خواستن رأی آزاد از مردم است و بنابراین مستلزم اختیار رأی دهندگان در انتخاب همین عقاید سیاسی و اجتماعی مختلف و اشخاصی است که باید نماینده افکار و نظریات مورد پسند انتخاب کنندگان باشند. تصدیق دارید که چنین اختیاری نمیتواند بدون آزادی عقیده، آزادی احزاب و اجتماعات، آزادی تبلیغ، آزادی مطبوعات و غیره وجود خارجی داشته باشد و لذا هر انتخابی که در حالت سلب این آزادیها جریان یابد نه تنها فاقد ارزش قانونی است بلکه برخلاف رأی ملت و ماهیت خودش است. از این گذشته مداخلات آشکار دولت و مأمورین آن در انتخابات بجدی است که حتی کسانی که باوجود این شرایط حاضر برای رأی دادن هستند اطمینان ندارند که رأی آنها خوانده شود و واقماً بحساب آید. حق هم با آنهاست زیرا نه نمایندگان و معتدین آنها بر جریان انتخابات نظارت دارند و نه انجمن نظار تعیین شده یارای مقاومت در برابر مداخلات و تفسیفات سازمان امنیت و سایر مأموران دولتی دارد.

بدیهی است چنین حکومتی هر قدر هم مدعی اصلاحات اجتماعی کشور شود و واقماً هم قصد داشته باشد قسمی در راه مردم بردارد چون حاضر نیست سیاست و روش خود را در معرض افکار عمومی ملت قرار دهد و به پشتیبانی آراء مردم مستظهر گردد ناگزیر حکومتی تحمیلی و غیر دموکراتیک تلقی میگردد و در نقطه مقابل مردم قرار میگردد. تجربه همه ملت‌های جهان نشان داده است که هیچ اقدام اصلاحی و هیچ تحول اجتماعی و اقتصادی و سیاسی بدون پشتیبانی مردم به نتیجه مطلوب نرسد و افکار عمومی را بزور سرنیزه و سازمان امنیت، بزور اعدام و زندان و تبعید و درفش نمیتوان بسیج نمود. بنابراین مسلم است که

پایه واقعی هر گونه تحول و پیشرفت اجتماعی در کشور ما احترام واقعی به آزادیهای دموکراتیک و اجراء بی خدشه اصولی است که فوقاً ذکر شد، اصولی که بدون آن ندمو کراسی وجود دارد و نه تحول و پیشرفت امکان پذیر خواهد بود.

بنابراین مقدمات روشن است چرا حزب توده ایران از هم اکنون انتخابات دوره ۲۲ مجلس شورا، دوره پنجم مجلس سنا و همچنین انتخاباتی را که باید تحت عنوان مجلس مؤسسان جریان یابد غیر قانونی، مخدوش و عاری از اعتبار بشمارد و کسانی را که به نمایندگی این مجالس تعیین میگرددند، ولو اینکه از لحاظ شخصی موجه باشند، نمایندگان ملت ایران نمیشناسد.

ما پیشنهاد میکنیم که جریان انتخابات مجلس ۲۲، مجلس سنا و مؤسسسان متوقف گردد و تا هنوز دوره ۲۱ مجلس منقضی نشده است قانون احزاب و اجتماعات طبق اصل ۲۱ متمم قانون اساسی تصویب مجلسین برسد، قانون انتخابات طبق اصول دموکراتیک و بر اساس حزبی و نسبیست آراء و نظرات مشترک و مستقیم نمایندگان احزاب بر تمام جریان انتخابات اصلاح گردد، قانونی مبنی بر عفو عمومی و آزادی کلیه زندانیان سیاسی تصویب برسد، آزادی و فعالیت کلیه احزاب، سازمانها و انجمنها، اعم از هر عقیده سیاسی و مسلک اجتماعی که دارند و همچنین آزادی مطبوعات در حدود مقررات قانون اعلام گردد، رسیدگی بجرایم سیاسی و مطبوعاتی طبق قانون اساسی ایران به محاکم دادگستری احاله شود و مداخلات سازمان امنیت و محاکم استثنائی نظامی در این مورد ممنوع گردد. تبلیغات انتخابی طبق موازین و مقررات قانونی برای همه کس و برای کلیه احزاب و سازمانها آزاد شود. فقط آنگاه که چنین محیط سالم دموکراتیکی بوجود آید میتوان از انتخابات بمعنای واقعی کلمه سخن گفت و کوشید تا نمایندگان واقعی مردم به پارلمان فرستاده شوند. مسلماً چنین پارلمانی میتواند از حمایت و پشتیبانی مردم برخوردار باشد و امکان واقعی باید تا در راه پیشرفت و تحول اقتصادی و اجتماعی و سیاسی کشور ما گامهای مهمی بردارد.

جامعه ما تشنه تحولات بنیادی است و نخستین گام مهم در این راه ایجاد چنین محیط دموکراتیک است.

آقایان نمایندگان! شما در برابر مسئولیت خطیری قرار دارید و چون بجهت کرسیهای پارلمان را اشغال نموده‌اید ناگزیر چنین مسئولیت های سنگینی را نیز به عهده گرفته‌اید. ملت ایران شمارا نماینده خود نمیداند ولی این بان معنی نیست که شما نمیتوانید با اقدامات خویش در زمینه آزادیهای دموکراتیک گامهایی در جهت خواستههای واقعی مردم ایران بردارید. شما طبق اصل یازدهم قانون اساسی سوگند یاد کرده‌اید که «بحقوق ملت ایران خیانت ننمائید» و هیچ منظوری نداشته باشید «جز فواید و مصالح دولت و ملت ایران». بنابراین موظفند که اصول مصرحه در قانون اساسی و متمم آن را درباره حقوق و آزادیهای ملت ایران محترم بشمارید و در برابر هر گونه تجاوزی که باین حقوق میشود ایستادگی نمائید. ملت ایران ناظر اقدامات شما و قاضی عادل در مورد اعمال و رفتار شماست. کمیته مرکزی حزب توده ایران

بانگ خویش را در دفاع از خلق قهرمان ویتنام رساتر کنیم

جریان کنفرانس جهانی استکهلم برای دفاع از خلق ویتنام

مردم ایران با خلق ویتنام نیز هست. ولی مردم ایران نیز بهمان اندازه و همان شکل که در این شرایط دشوار برای آزادی و استقلال خود پیکار میکنند، از هر گونه امکان فرصتی نیز برای ابراز همبستگی خود با خلق ویتنام استفاده میکنند. بویژه حزب ما در پیشاپیش مردم ایران از تمام وسائل تبلیغاتی و تشکیلاتی خود برای آگاه ساختن افکار عمومی مردم ایران از ماهیت سیاست تجاوزکارانه امپریالیسم امریکا در ویتنام و پیکار قهرمانانه و عادلانه خلق ویتنام و تشویق و تجهیز آنها برای شرکت فعال در جنبش دفاع از خلق ویتنام استفاده میکند. حزب ما با توجه به امکانات محدود خود حتی از کمک مادی (پول و دارو) نیز دریغ نکرده است. بر همین اساس از فرصت تشکیل کنفرانس استکهلم نیز استفاده شد و نماینده جوانان توده ایران در این کنفرانس شرکت کرد تا بیان کننده همبستگی مردم ایران با خلق ویتنام باشد. نماینده جوانان توده ایران در چندین کمیسیون و بویژه در کمیسیون «ابتکارات واقعی و ابتکارات خدعه آمیز در باره صلح» شرکت کرد. وی در این کمیسیون ضمن سخنرانی خود لزوم ایجاد یک جنبش واقعا توده‌ای در سراسر جهان و قبل از همه در کشورهای که دولتهای آن مستقیم و غیر مستقیم از جنگ تجاوزکارانه ویتنام پشتیبانی میکنند اشاره کرد و پیشنهاد های شخصی در این زمینه داد. نماینده جوانان توده ایران در گروه کار «جوانان و دانشجویان» نیز شرکت فعال داشت. در این گروه که نمایندگان بیش از ۲۵ سازمان بین‌المللی و ملی جوانان و دانشجویان شرکت داشتند نماینده جوانان توده ایران بعضویت کمیسیون تنظیم قطعنامه انتخاب شد.

تردید نیست که هم وضع ما دشوار است و هم امکانات ما کم. ولی با وجود همه میتوان و باید با مبارزه بردشوارها غلبه کرد و از امکانات موجود حد اکثر استفاده رانمود و دائماً در جستجوی امکانات تازه بود تا مردم ایران نیز بتوانند پیش از پیش همبستگی خود را با خلق ویتنام نشان دهند و در جنبشی که در دفاع از خلق ویتنام بوجود آمده و روز بروز بر عمق و دامنه آن افزوده میشود سهم شایسته خود را ادا کنند. موقع آنست که بانگ خویش را دفاع از خلق قهرمان ویتنام رساتر کنیم.

خصلت توده‌ای بدهد و ثابا برای خلق ویتنام کمک عملی، جدی و مؤثری باشد. از جمله آوری امضا از همه مردم جهان بر ضد جنگ تجاوزکارانه امریکا در ویتنام، میتینگها و تظاهرات در روزهای معین، استفاده از فیلم و مطبوعات، مسافرت شخصیهای برجسته به امریکا برای بحث با مردم امریکا، ترتیب ملاقات بین نمایندگان سازمانهای اجتماعی امریکا با سازمانهای مشابه از جمله بانمایندگان مردم ویتنام، ساختن یک بیمارستان در کامبوج برای مردم ویتنام، اعزام یک کشتی حامل دارو به ویتنام، جمع آوری کمک مالی و غیره.

توافق کامل بر سر راه حل مسئله ویتنام

واقعیت اینست که تا قبل از کنفرانس استکهلم بین افراد و سازمانهایی که البته با عقاید و انگیزه‌های گوناگون برای پایان دادن به جنگ ویتنام مبارزه میکنند، توافق کامل وجود نداشت. این عدم توافق بویژه بر سر چگونگی حل مسئله ویتنام و شرایط مذاکره برای استقرار صلح بروز میکرد. تجربه مبارزات چند ساله، گسترش بحث و تبادل نظر بین افراد و سازمانها که شکل کامل آن در کنفرانس استکهلم صورت گرفت، سرانجام منجر به توافق کامل بر سر اساسی ترین مسائل گردید، و این یکی از بزرگترین موفقتهای کنفرانس بود. کنفرانس به این نتیجه رسید که تنها راه حل واقعی و عادلانه برای حل مسئله ویتنام مذاکره بر اساس قرارداد ژنو است. و بعنوان شرط اولیه برای هر گونه مذاکره‌ای نیز بمباران ویتنام شمالی قطع گردد و وجهه آزادی بخش ویتنام جنوبی بعنوان یکی از عناصر اصلی شرکت کننده در مذاکره از طرف امریکا و دولت ویتنام جنوبی برسمیت شناخته شود.

همبستگی مردم ایران با خلق ویتنام

همبستگی مردم ایران با خلق قهرمان ویتنام از ماهیت مبارزه‌ای که این هردو ملت برای آزادی و استقلال خود میکنند سرچشمه میگیرد. متأسفانه رژیم دیکتاتوری بهمان اندازه و همان شکل که از مبارزه آزادیبخش مردم ایران جلوگیری میکند، مانع ابراز همبستگی

جمله کریشنا منون وزیر سابق دفاع هند و همکار دوست نزدیک نهر و مارتین نی مولر اسقف بزرگ پرستان در آلمان غربی، پرفسور میدرال جامعه‌شناس سوئدی، پیر کوت نماینده مجلس فرانسه، ایزابل بلوم مبارز صلح بلژیکی و همچنین وزیر ارتباطات سوئد در کنفرانس حضور داشتند.

نکته جالب دیگر اینکه هیئت نمایندگی ایالات امریکا با ۳۵ نفر عضو نمایندگی از جانب ۱۹ سازمان اجتماعی بزرگترین هیئت نمایندگی در کنفرانس بود و این خود مقاومت روز افزون مردم امریکا را بر ضد سیاست تجاوزکارانه دولت جانسون نشان میداد.

کنفرانس کار

کنفرانس استکهلم هدفش فقط ابراز همبستگی با خلق ویتنام نبود. کنفرانس بویژه و بطور عمده بحث و تبادل نظر درباره یافتن راهها و اشکال جدید مبارزه بر ضد سیاست تجاوزکارانه امریکا در ویتنام و کمک مشخص به خلق ویتنام پرداخت. بهین جهت بلافاصله پس از گشایش کنفرانس نمایندگان به کمیسیونها و گروههای کار تقسیم شدند و بحث و تبادل نظر در باره جنبه‌های مختلف مسئله ویتنام پرداختند. بدینسان کنفرانس از نظر موضوع کار به هشت کمیسیون:

قوانین بین‌المللی و جنگ در ویتنام - چهاره جنگ - مبارزه برای استقلال و پیشرفت - ابتکارات واقعی و ابتکارات خدعه آمیز در باره صلح - افراد روز افزون ایالات متحده در جهان - کمک مادی به ویتنام - هماهنگ کردن فعالیتهای جنگ ویتنام و صلح جهانی. و از نظر مشاغل شرکت کنندگان به هفت گروه: فعالین سندیکائی، نمایندگان پارلمان، دانشمندان، پزشکان و معلمان، نویسندگان، هنرمندان و روزنامه نگاران، زنان و جوانان و دانشجویان و روحانیان تقسیم گردید.

هر یک از این کمیسیونها و گروههای کار در پایان کنفرانس پیشنهاد های مشخص خود را به جلسه عمومی برای توصیه به همه افراد و سازمانهایی که برای استقرار صلح در ویتنام مبارزه میکنند ارائه داشت.

بدینسان بود که نتیجه کار کنفرانس بسیار ثمربخش شد. قبل از همه و مهمتر از همه کنفرانس تصمیم گرفت یک «کمیته ادامه کاری» برای برقراری ارتباط بین سازمان هائی که در کنفرانس شرکت کرده‌اند و همچنین برای برقراری تماس با همه افراد و سازمانهایی که به شکلی از اشکال و بدرجات مختلف برای خاتمه دادن به جنگ ویتنام و صلح و آسایش نشان میدهند و بمنظور ایجاد یک جنبش واقعا توده‌ای در دفاع از خلق ویتنام تشکیل دهد. این خود گام بزرگی بود که جنبش را وارد مرحله نویینی کرده است. پیشنهاد های مشخص بسیاری نیز ارائه گردید که عملی کردن آنها میتواند به جنبش اولاً

بهمان اندازه که دامنه تجاوز امپریالیسم امریکا در ویتنام گسترش میابد مبارزه مردم جهان در دفاع از خلق قهرمان ویتنام در برابر این تجاوز نیز تشدید میگردد. مردم جهان پیش از پیش درک میکنند که در ویتنام نه فقط سرنوشت ملتی که جز استقلال و آزادی خود چیزی نمیخواهد، مطرح است، بلکه صلح جهانی و حق حیات و برخورداری از آزادی عدالت برای همه خلقهای جهان نیز در معرض تهدید جدی قرار گرفته است.

اکنون علاوه بر سازمانهای مترقی و دموکراتیک در سراسر جهان، بسیاری از سازمانهای پاسیفیستی و همچنین سازمانهایی که بطور خاص برای استقرار صلح در ویتنام تشکیل شده و سازمانها و احزاب لیبرال و دمکرات هر یک بشکلی فعالیت خود را برای دفاع از خلق ویتنام در برابر تجاوز امپریالیستهای امریکائی متمرکز کرده‌اند. ولی درک این واقعیت که جنبش دفاع از ویتنام را باید گسترش داد و آنرا یک جنبش واقعا توده‌ای تبدیل کرد، لزوم اینکه بخشهای مختلف این جنبش باید کار خود را هماهنگ کنند و یک دیگر کمک و نیرو دهند، این فکر را بیش از پیش تقویت کرد که باید از تمام افراد و سازمانهایی که مخالف جنگ تجاوزکارانه امریکا در ویتنام هستند مجبمی تشکیل شود و این مجمع به بحث و تبادل نظر آزاد درباره یافتن راههای کمک هر چه مؤثرتر بر مردم ویتنام و همچنین به اعمال فشار به امپریالیستهای امریکائی و دستیاران آنها برای پایان دادن به تجاوز پیردازد. این فکر سرانجام به ابتکار «جامعه صلح و داوری سوئد» که یک سازمان قدیمی پاسیفیستی است، بصورت تشکیل کنفرانس استکهلم در باره ویتنام در فاصله ۶ تا ۹ ژوئیه ۱۹۶۷ عملی گردید.

کنفرانس جهانی

تاکنون کنفرانسها و مجامع گوناگون و متعددی در باره ویتنام تشکیل شده ولی هیچکدام جنبه جهانی نداشته است. کنفرانس استکهلم درباره ویتنام برای نخستین بار خصیت جهانی داشت و این واقعیت را میتوان از ترکیب شرکت کنندگان در کنفرانس دریافت.

در کنفرانس استکهلم بیش از ۴۳۰ نفر بطور مستقل و یا بنماینده ای از جانب یک سازمان شرکت داشتند. از این عده ۳۷ نفر بعنوان ناظر شرکت کرده بودند. ۲۱ سازمان بین‌المللی، ۲ سازمان قاره ای و بیش از ۲۲۰ سازمان کشوری از ۶۸ کشور به کنفرانس نماینده فرستاده بودند. در کنفرانس کمونیستها، سوسیالیستها، لیبرالها، دمکراتها، مسلمانان و بودائیها بنمایندگی افکار اجتماعی، سیاسی و مذهبی گوناگون - نمایندگان پارلمان، نویسندگان، هنرمندان، دانشمندان، معلمان و روزنامه نگاران بعنوان نمایندگان مشاغل مختلف و کارگران، زنان، دانشجویان، جوانان و روحانیان بمثابة مظهر طبقات و قشر های گوناگون اجتماع شرکت داشتند. علاوه بر این عده زیادی از شخصیتهای معروف از

قابل توجه علاقمندان

به نشریات توده

علاقمندان به نشریات توده‌ای از این پس میتوانند کمک مادی خود را به نشانی زیر ارسال دارند،
شماره حساب بانکی

Sweden
Stockholm,
Stockholms Sparbank
1265-5

هموطنان عزیز! رفقای حزبی!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با رادیو یک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین‌المللی مکتوبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنهاد های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و مجموعه فعالیت ما ارسال دارید.

P. B. 4176

Stockholm 4
Sweden